

نازیسم را روسیه مغلوب کرد، اما آمریکا آن را احیا می کند...

یتر اسکندراوف

(Petr Iskenderov)

کارمند علمی ارشد دانشکده اسلاویان آکادمی علوم روسیه،
دکتر علوم تاریخ، مفسر بین المللی رادیو «صدای روسیه»

<http://www.fondsk.ru/news/2014/05/10/rossia-pobedila-nacizm-a-segodnja-ssha-ego-vozhzdaut-27425.html>

برگردان: ا. م. شیری

<http://eb1384.wordpress.com/2014/05/16/>

۲۶ اردیبهشت- ثور ۱۳۹۳

همین روزها مردم پیروزی بر فاشیسم را گرامی می دارند، ضمن بزرگداشت شهیدان، به جانبازان ادای احترام می کنند. شاهکار خلقهای پیرومند بر «طاعون فاشیسم» سال به سال با شکوه تر می شود. و این، کسانی را که برای ادامه کار نازیهای قرن بیستم خیز بر داشته اند، آزار می دهد.

میلیونها انسان اروپائی هزینه سیاستهای سازشکارانه دولتهای خود را به قیمت جان خود پرداختند. با امیدواری به هدایت تجاوز آلمان بسوی شرق، دولتهای غربی با واگذاری سرزمینهای اتریش، چک و سلواکی بعنوان رشوه به هیتلر، سعی کردند با او توافق کنند. حمله خائنانه به بلژیک، اشغال فرانسه، شکست یوگسلاوی، تجاوز فاشیسم ایتالیا به آلبانی و یونان نقاب از چهره کثیف چنین «صلحدوستی» برافکند.

مورخان نظامی غربی هنوز هم بر سر آن بحث می کنند، که در امر پیروزی بر آلمان فاشیستی، ارتش اتحاد شوروی نقش تعیین کننده ایفاء کرد. یکی، از سرکردگی شایسته فرماندهان نظامی، قهرمانیهای بی سابقه سربازان، پایداری خلقهای سخن می گوید. دیگری، ترجیح می دهد چنین بگوید، که گویا، در لحظات تعیین کننده تانکهای ارتش آلمان سوخت کافی نداشتند و سرمای روسیه باعث یخ زدن روغن کاری زره پوشها می شد...

ولیکن حتی سرسخت ترین دشمنان اتحاد شوروی نمی توانند این واقعیت را انکار نمایند که پیروزی ارتش اتحاد شوروی موجب تحول بنیادی در همه عرصه های نظامی- سیاسی اروپا گردید. خود همان بلغارها یا رومانی ها که خانه هایشان در زیر سایه سپاه رژیمهای سلطنتی- فاشیستی تیر و نار شده بود، در نبردهای جبهه های شرقی رشادت خاصی از خود نشان ندادند. دفاع قهرمانانه از مسکو، پیروزی در استالینگراد و کورسک الهامبخش همه پارتیزانها و دسته های زیرزمینی گردید، که در راه آزادی آلبانی، یوگسلاوی، یونان و دیگر کشورها پیکار می کردند. ۱۸ دسامبر سال ۱۹۴۲ وزارت امور خارجه اتحاد شوروی با صدور بیانیه ویژه ای از آزادی و استقلال آلبانی بسیار دور از مسکو پشتیبانی کرد. در این بیانیه اظهار اطمینان شده بود که خلقهای بالکان در اتحاد با هم «اشغالگران را از سرزمینهای خود بیرون خواهند راند».

تلاشهای امروزی غرب برای تغییر چهره تاریخ، متهم کردن قهرمانان مبارزه با فاشیسم به خیانت، و قهرمان نامیدن خائنان یک مورد استثنائی نیست. غرب سعی می کند آلمان فاشیستی و اتحاد شوروی را مسئول جنگ جهانی دوم قلمداد نموده، علامت مساوی بین نازیسم و کمونیسم بگذارد. در سایه این سیاست نیز نئونازیسم در اوکراین، در کشوری که پس از سال ۱۹۴۵ برای اولین بار در خاک اروپا روز پیروزی ۹ ماه مه به روز کشتار شرکت کنندگان این جشن در شهر **ماریوپل** بدل گردید، طغیان کرد...

انگار دادگاه نورنبرگ که نازیسم و سازمانهای نازی را بجرم جنایت محاکمه کرد، اصلا تشکیل نشده است! انگار نبرد اتحاد شوروی با ارتشهای فاشیستی الهامبخش رزم خلقهای اروپا برعلیه اشغالگران نبوده است!

در همین رابطه لازم به ذکر است، که در اروپا تلاشهایی برای بازنویسی تاریخ همه جنگهای قرن بیستم، نه فقط جنگ جهانی دوم، حتی جنگ اول جهانی بعمل می آید و سعی می شود عواملان فاجعه عمومی اروپا را تبرئه نموده، قربانیان فاجعه را مسئول آن معرفی نمایند. در این تحریفات روی صربهای متحد روسیه بویژه تمرکز می شود. مفسر نیویورک تایمز، **آنتونی لویس** با تعریف صربها بعنوان جانوران وحشی شهرت یافت و **کریس کلارک**، مورخ انگلیسی ضمن صحبت از فاجعه تابستان سال ۱۹۹۵ شهر صربرنیتسای بوسنی که غرب صربها را مقصر آن شناخت، اظهار داشت که «پس از صربرنیتسا» بازنگری همه ارزیابی ها از جنبش آزادیبخش ملی صربها در طول تمام قرن گذشته ضروری است.

مجله آمریکایی «**نیشنال اینترست**» ضمن طرح این سؤال که «آیا احتمال دارد بحران اوکراین باعث آغاز جنگ جهانی جدیدی شود؟»، تاریخ آن بحرانهای جهانی را درست هنگامی یادآوری می کند، که رؤسای جمهور کنونی آمریکا آنقدر جسارت در خود یافتند که آنچه را که جان اف کندی پس از بحران کرائیب (بحران موشکی کوبا، م.) «**قواعد پایه ای عقلانیت**» نامید، راهنمای عمل خود قرار دهند.

صدای دعوت به فراموشی این درسها، امروز در غرب بطور فزاینده ای بگوش می رسد. **مارک ساشین** در آستانه سالگرد روز پیروزی بر فاشیسم در تارنمای «اوپدنیوز» (opednews.com) نوشت: «روسیه نازیسم را مغلوب کرد، اما آمریکا آن را امروز احیاء می کند». ۹ ماه مه فرامی رسد، ولی ما در اینجا، در ایالات متحده آمریکا، کاری به این امر نداریم. ۹ ماه مه سال ۱۹۴۵، مارشال ژوکوف اولین نفری بود که سند تسلیم آلمان را در برلین امضاء کرد، اما در اینجا ما می خواهیم این واقعبیت را فراموش کنیم. یکی از اولین فرامین فرماندهی اتحاد شوروی در ۹ ماه مه در برلین در خصوص تغذیه مردم بود، ولی ما نمی خواهیم این را بدانیم. همه ساله ۹ ماه مه در روسیه رژه نظامی باشکوهی برگزار می شود، ولی ما پیام تبریک به آن نمی فرستیم. در عوض، ما با شیاطین روبوسی می کنیم. ما باندیها را احیاء می کنیم و قاتلان را می ستائیم؛ مقامات عالی رتبه ما آنها را بکشتن روسها تحریک می کنند و دولت آلمان پول و مشاوران خود را به کمک کودتاگران در کی یف گسیل می دارد». برای درک اینکه فراموش کردن درسهای جنگ جهانی دوم و حتی چنین رفتارهای سطحی بین المللی مثل «**قواعد پایه ای عقلانیت**» جان کندی چه عواقبی در پی خواهد داشت، نیازی به پیامبر بودن ندارد. پیامد تلاشها برای سازماندهی هجوم جدید به شرق و احیای ایدئولوژی محاکمه نشده در نورنبرگ در اروپا چه خواهد بود، برای هر کسی روشن است.